

رابطه اخلاق حرفه‌ای با عملکرد استادان دانشگاه

آزیتا سلاجقه^{1*}، ثنا صفری²

1. گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور کرمان

2. گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت 93/4/2، تاریخ پذیرش 93/7/30)

چکیده

زمینه: پرداختن به اخلاق دانشگاهی در برنامه‌های کلان جامعه دارای اولویت خاصی است و غفلت از آن آثار زیانبار فراوانی به بار می‌آورد و دانشگاه برای نهادینه‌سازی اخلاق در فرهنگ سازمانی خود محتاج ترویج مستمر و اثربخش اخلاق در همه ارکان خود می‌باشد. رعایت اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه، حافظ سعادت و رفاه فردی و گروهی دانشجویان است و تجاوز به آن می‌تواند به توانایی یادگیری دانشجویان لطمه وارد کند. بنابراین هدف این پژوهش بررسی وضعیت عملکرد استادان دانشگاه به منظور آگاهی از وضع موجود و شناسایی عوامل مؤثر جهت ارتقاء اخلاق حرفه‌ای به کار می‌رود.

روش: شیوه انجام پژوهش توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری آن، دانشجویان دانشگاه پیام نور کرمان می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از جدول مورگان مشتمل بر 370 نفر است که به شیوه تصادفی انتخاب می‌شود. میزان ریزش نمونه 140 نفر می‌باشد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته و جهت توصیف داده‌ها از آمار توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

یافته‌ها: بین تمام مؤلفه‌های اخلاق آموزشی به جز پرداختن به موضوعات حساس، داشتن روابط دوگانه با دانشجویان و احترام به محل آموزش با عملکرد استادان رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: استادان به اغلب مؤلفه‌های اخلاقی در تدریس و آموزش توجه می‌کنند و این امر باعث افزایش اثربخشی آموزش و کارایی کلاس و همچنین یادگیری بهتر و مؤثرتر دانشجویان می‌شود.

کلید واژگان: اخلاق، اخلاق حرفه‌ای، عملکرد آموزشی

سرآغاز

آموزشی² و علمی به‌عنوان یکی از اهداف متعالی آموزش عالی تعریف می‌شود. در دنیای معاصر انتظار می‌رود علم، مشکلات پیش رو و آینده انسان‌ها و جوامع را حل و فصل نماید. اجتماعات علمی با داوری در مورد هنجارهای حرفه‌ای و اخلاق علمی در بین اعضای خود تلاش می‌کنند تا علم را در مسیر خدمت رسانی به بشریت تقویت نمایند. بر این اساس در محیط‌های علمی اصول اخلاقی³ زندگی علمی مورد توجه قرار گرفته و رعایت فضائل اخلاقی به‌عنوان معیار کنش علمی بیش از پیش مورد تاکید قرار می‌گیرد. تهیه و تدوین وظایف اخلاقی

آموزش¹، زیربنای توسعه پایدار انسانی است و ابزار اصلی برای تحقق اهداف توسعه به شمار می‌رود. آموزش باید در جهت توسعه کامل شخصیت انسانی باشد و تحقق اهداف آموزشی نمی‌تواند بدون توجه به جنبه‌های اخلاقی صورت پذیرد، زیرا پیوند آموزش و اخلاق، پیوندی استوار و ناگسستنی است. تخطی از هنجارهای اخلاقی در آموزش می‌تواند به توانایی دانش آموزان و دانشجویان در رفع چالش‌های روزمره زندگی فردی و اجتماعی آسیب‌های جدی وارد سازد. امروزه رعایت اخلاق

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: salajegheh.azita @ gmail.com

افراد در سازمان‌ها، از یک طرف با هدف تحقق بخشیدن به اهداف سازمان و از طرف دیگر با هدف پاسخ دادن به ابهامات و رفع دغدغه‌های اخلاقی کارکنان تهیه و تدوین می‌شود (1). اولین گام تحقق اخلاق در سازمان‌ها، شناخت سطوح اخلاق است که در دو سطح قابل بررسی می‌باشد: 1- اخلاق حرفه‌ای⁴؛ که به مسؤولیت اخلاقی در سازمان اشاره دارد. 2- اخلاق شغلی؛ که تأکید به وظایف اخلاقی افراد در سازمان دارد (2). بنابراین در ترویج اخلاق در سازمان، هم فرد مهم است و هم سازمان و همه جنبه‌ها و عوامل سازمانی در ترویج اخلاق نقش اساسی دارند.

اخلاق چیست؟ رفتار اخلاقی و اخلاق حرفه‌ای به چه معناست؟ اخلاق در لغت، جمع واژه خلق و به معنی خوی‌هاست و دانش بررسی و ارزش گذاری بر خوی‌ها و رفتار آدمی؛ علم اخلاق⁵ نامیده می‌شود (3). در معنی اصطلاحی اخلاق عبارت است از بایدها و نبایدهای ارزشی - فلسفی و معیار سنجش درستی یا نادرستی رفتار شخص نسبت به خود، دیگران و جامعه (4). در کنگره بین المللی اخلاق در آموزش واژه اخلاق بدین صورت تعریف شده است: "الگوی رفتار ارتباطی درون شخصی و برون شخصی مبتنی بر رعایت حقوق طرف ارتباط" (5). هر مجموعه سازمانی دارای کدهای اخلاقی متناسب با ساختار حرفه‌ای خود است که اخلاق حرفه‌ای نام دارد. آموزش عالی نیز نظامی حرفه‌ای است و استادان دانشگاهها به‌عنوان افرادی که مسؤولیت تعلیم و تربیت دانشجویان را بر عهده دارند باید از اصول اخلاق حرفه‌ای⁶ معلمی آگاهی داشته و به آن پایبند باشند. رعایت اخلاق آموزشی تضمین کننده سلامت فرایند یاددهی- یادگیری در دانشگاه است و موجب افزایش تعهد پاسخگویی مدرسان نسبت به نیازهای دانشجویان می‌شود. ساده‌ترین انگاره در تعریف اخلاق حرفه‌ای این است که آن را مسؤولیت‌پذیری در زندگی شغلی دانست. اگرچه سازمان‌ها را افراد تشکیل می‌دهند و آن را اداره می‌کنند اما سازمان علاوه بر افراد؛ دارای اهداف، ساختار، اساسنامه، شرح وظایف و... نیز هست که با تغییر افراد می‌تواند ثابت بماند و فضایی از هویت جمعی ایجاد کند که بر خلق و خوی افراد نیز حاکم گردد. که از این مرتبه اخلاق حرفه‌ای به اخلاق سازمانی⁷ تعبیر می‌شود. این تصور که اخلاق

حرفه‌ای چیزی نیست جز مسؤولیت اخلاقی افراد در مشاغل، تصور تحویلی نگر و ناقصی از اخلاق حرفه‌ای است. منظور از اخلاق حرفه‌ای، مسؤولیت‌های اخلاقی و حرفه‌ای فرد از حیث شغل می‌باشد (6). همچنین می‌توان گفت که اخلاق حرفه‌ای عبارت است از اصول و استانداردهایی که برخورد مناسب و عمل قابل قبول را در زمینه‌های مختلف شغل هدایت می‌کند و به‌عنوان راهنمای کارکنان مختلف مورد تأکید قرار می‌گیرد (7). بر اساس این تعریف اخلاق حرفه‌ای ناشی از شغل فرد می‌باشد و مسؤولیت اخلاقی که معلم در کلاس دارد تعیین کننده نوع رفتار اخلاقی او می‌باشد که شامل موضوعاتی از قبیل توجه به دانشجویان، رشد و توسعه علمی و اجتماعی آنها، آموزش محتوای درسی به روز و کارآمد و... می‌باشد (8). اخلاق حرفه‌ای در واقع یک نظام ساختاری و کاربردی است که تلاش می‌کند تضادهای احتمالی را شناسایی نموده و برای آن راهکارهای صحیحی ارائه دهد (9). در تعریفی دیگر می‌توان گفت که اخلاق حرفه‌ای رشته‌ای از دانش اخلاق است که روابط شغلی را مورد مطالعه قرار می‌دهد و شیوه متداول در میان اهل یک رشته است (10). بنا بر تعاریف ذکر شده می‌توان گفت: اخلاق حرفه‌ای عبارت است از فرآیندی که حافظ سعادت و رفاه فردی و گروهی دانشجویان در کلاس است که تجاوز به آن می‌تواند به توانایی یادگیری دانشجویان لطمه وارد کند. محققان مجموعه‌ای از اصول اخلاقی مربوط به آموزش را شناسایی کرده‌اند که شامل احترام به دانشجویان در مقام انسانی، برابر دانستن دانشجویان در مشاوره، آموزش و نمره دادن، توجه به نگرش‌های مختلف در انتخاب موضوعات درسی، بی طرفی در آموزش در برابر تلقین محتوای درس و محرمانه نگهداشتن نمرات دانش آموزان می‌باشد. بر اساس مبانی اخلاق حرفه‌ای معلمی، یک استاد در دو بعد باید خود را ملزم به رعایت اصول اخلاقی بداند؛ اول، به جهت جایگاه تأثیرگذاری که بر رفتار و افکار فراگیران دارد، باید خود را آراسته به فضایل اخلاقی نماید و دوم، به جهت وظیفه‌ای که در قبال برآوردن نیازهای آموزشی دانشجویان دارد باید با رعایت حداکثری اصول اخلاقی در انجام وظایف حرفه‌ای، مسؤولیت‌های آموزشی خود را به بهترین نحو به انجام رساند (11).

3- اخلاق دانشجویی¹¹: دانشجویان نیروی کار آینده هر جامعه‌ای هستند، بنابراین دانشگاه باید بتواند تجربیات اخلاقی دست اولی را برای آنها فراهم آورد تا در زمینه‌ی مسائل اخلاقی کسب تجربه کنند (17).

4- اخلاق در تدریس¹²: مراد از اصول اخلاقی در اینجا عبارت است از دستورالعمل‌های کلی و ایده آل که در طراحی و تحلیل تدریس دانشگاهی باید مورد توجه قرار گیرد. از جمله این اصول تدوین شده می‌توان به اصول اخلاقی انجمن روانشناسان آمریکا¹³ برای تدریس اشاره کرد که عبارتند از: مسؤولیت در برابر دانشجویان، توانایی و کفایت در تدریس، استانداردهای قانونی و اخلاقی، بیان عمومی آزادی، رازداری، آسایش و سعادت مشتری، ارتباطات حرفه‌ای، ارزیابی تکنیک‌ها، تحقیق با مشارکت انسانی (18). چالش‌های استادان دانشگاه همیشه تازه بوده و هنوز برخی از آنها ثابت و بی‌پاسخ مانده است، سوالاتی در ارتباط با نحوه تدریس، کفایت تکنولوژی، رعایت عدالت و اخلاقیات در تدریس، ارزیابی و... همیشه ذهن استادان را مشغول کرده است (19). اصول اخلاقی از نظر یکی از صاحب‌نظران، توصیف‌کننده روش‌هایی است که شکل‌گیری آزادی دانشگاهی را به صورت مسؤولیت‌پذیرانه ممکن می‌سازد. وی برای اخلاق در آموزش 9 اصل اساسی مطرح می‌کند که عبارتند از: 1- کارآمدی محتوای درسی 2- کارآمدی آموزشی 3- پرداختن به موضوعات حساس 4- رشد دادن دانشجو 5- داشتن رابطه دوگانه با دانشجویان 6- رازداری 7- احترام به همکاران 8- ارزیابی درست از دانشجویان 9- احترام به مؤسسه آموزشی (20).

به دلیل اهمیت بسزایی که آموزش عالی و رعایت اخلاق آموزشی در پیشرفت کشور دارد ضروری است که پژوهش‌هایی در راستای این مهم صورت گیرد و به بررسی آن پرداخته شود ولی متأسفانه در مورد اخلاق در آموزش عالی پژوهش‌های بسیار کمی در داخل ایران انجام گرفته است و این مسأله به ویژه در مورد موضوع اخلاق آموزشی صادق تر می‌باشد. در اکثر موارد، اخلاق در ایران از منظر اخلاق پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته است که آن هم تا حد بسیار زیادی مورد توجه علم پزشکی می‌باشد و در علوم انسانی ارزش‌چندانی به این مسأله مهم داده

پرداختن به اخلاق دانشگاهی در برنامه‌های کلان جامعه دارای اولویت خاصی است و دانشگاه به‌عنوان یک مرکز پژوهشی و آموزشی در تعامل با دانشجو، استاد، کارکنان و محیط بیرونی باید اخلاقی باشد. فراتر از این، توجه به نقش راهبردی دانشگاه در ترویج اخلاق حرفه‌ای در مشاغل و سازمان‌ها ضرورت اخلاقی بودن سازمان دانشگاه را بیشتر نشان می‌دهد. دانشگاه برای نهادینه‌سازی اخلاق در فرهنگ سازمانی خود محتاج ترویج مستمر و اثربخش اخلاق در همه ارکان سازمان است. ترویج اثربخش اخلاق در آموزش عالی⁸ مانند هر سازمان دیگر در گرو سه گام عمده است که عبارتند از: 1- دانش اخلاق حرفه‌ای معطوف به زمینه‌های تخصصی سازمان. 2- گرایش درونی و خودانگیختگی سازمان، مدیران و منابع انسانی آن نسبت به تحقق اخلاق و ارزش‌های اخلاقی در سازمان. 3- مهارت عملی تخلق سازمان به اصول اخلاقی (2). آموزش عالی به دلیل تنوع فرهنگی و نوع مراجعین شرایط مناسبی برای بروز مسائل غیر اخلاقی دارد، بنابراین باید بیش از هر سازمانی به موضوع اخلاق اهمیت دهد، زیرا هم افراد حاضر در آن دارای حساسیت‌های سنی خاص خود هستند و هم آموزش عالی به‌عنوان تأمین‌کننده نیروی کار جامعه دارای مسؤولیت از طرف جامعه و مردم است و باید نیروی کاری تربیت کند که ضامن سعادت و رفاه جامعه باشد و یکی از ابعاد مهم نیروی کار، بعد اخلاقی آن است. اخلاق در همه زمینه‌ها و فعالیت‌های آموزش عالی از مدیریت گرفته تا فعالیت‌های تحقیقی و تدریس کاربرد دارد و همه فعالیت‌های مؤسسات و دانشگاه‌ها جنبه‌ی اخلاقی دارد (12). یکی از محققان برای اخلاق در آموزش عالی چهار بعد معرفی می‌کند (13). این ابعاد عبارتند از:

1- اخلاق در مدیریت: رویکردی مشتری محور دارد و مربوط به مسائل و تنش‌های طبیعی در فرآیند تصمیم‌گیری می‌شود (14).

2- اخلاق در پژوهش¹⁰: به معنای بررسی امکان و شرایط رعایت قواعد و اصول اخلاقی در پژوهش‌های نظری و عملی است (15). برای اخلاق در پژوهش دو حوزه اساسی در نظر گرفته می‌شود: 1- آزمودنی‌های انسانی و اخلاق 2- انسان پژوهشگر و اخلاق (16).

عملکرد¹⁴ استادان در رابطه با اصول اخلاق آموزشی چگونه است؟

روش

روش استفاده شده در این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جمعیت آماری این پژوهش، دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه پیام نور شهر کرمان در سال تحصیلی 92-91 می‌باشد و حجم نمونه 370 نفر است که با استفاده از جدول مورگان برآورد می‌شود ولی به دلیل عدم همکاری دانشجویان فقط 230 پرسشنامه تکمیل شده جمع‌آوری شده است که مقدار ریزش نمونه 140 نفر است. پرسشنامه‌ها جهت تجزیه و تحلیل آماری مورد بررسی قرار می‌گیرند و انتخاب دانشجویان برای پاسخگویی به شیوه‌ی اتفاقی می‌باشد. از 230 دانشجوی پاسخگو، 69 درصد را دختران و 31 درصد را پسران تشکیل می‌دهند. 98/2 درصد در مقطع کارشناسی و 1/8 درصد در مقطع کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل می‌باشند. حداقل سن دانشجویان پاسخگو 18 و حداکثر آن 53 سال است و سن اغلب آنها 92/3 درصد بین 18 تا 25 سال گزارش شده است. در بین دانشجویان پاسخگو، 73 درصد مجرد و 27 درصد متأهل می‌باشند. در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه پژوهشگر ساخته شده استفاده شده است (13). در پرسشنامه

نشده است. در پژوهش‌های انجام شده قدرت ارتباط، توجه به بیان اهداف در ابتدای دوره آموزشی، توجه به یادگیری انفرادی و گروهی، ارتباط توأم با احترام، مدیریت کلاس، رابطه استاد با دانشجو، روابط بین فردی، رازداری، مهارت‌های آموزشی، ویژگی‌های شخصیتی، فراهم کردن فرصت مناسب برای اصلاح ابهامات، مسؤلیت در قبال دانشجویان، مشاوره، روش‌های مناسب تدریس، انتقال مناسب مطالب و ارزشیابی از عوامل مهم می‌باشند (21، 22، 23، 24، 25، 31). پس بر اساس بررسی‌های صورت گرفته و پژوهش‌های انجام شده می‌توان گفت که آموزش اخلاق حرفه‌ای یکی از مهمترین نیازهای آموزشی در حیطه دانشگاهی است که در سال‌های اخیر با افزایش موارد مشکل اخلاقی؛ ترویج اخلاق حرفه‌ای در میان اعضاء هیأت علمی و دانشجویان اهمیت خاصی یافته است و شکی نیست نیاز به آموزش اخلاقی در رشد صلاحیت‌های اخلاقی اعضاء هیأت علمی و مجموعه دانشگاهی به صورت روزافزون احساس می‌شود. بنابراین بر اساس این واقعیت و با عنایت به اهمیت تربیت صحیح دانشجویان و سوق دادن جامعه به سوی جامعه‌ای مترقی و پیشرفته توسط دانشجویانی که آینده سازان این مملکت می‌باشند باستی این مسأله مهم را مورد بررسی قرار داد و از وضعیت رعایت اخلاق آموزشی در میان استادان دانشگاه پرسید و این پرسش را مطرح نمود که:

جدول 1: توصیف متغیرها در میان آزمودنی‌ها

شاخص	کارآمدی محتوی درسی	کارآمدی آموزشی	نحوه پرداختن به موضوعات حساس	داشتن روابط دوگانه با دانشجویان	ارزشیابی درست	احترام به موسسه آموزشی	احترام به همکاران	رازداری	پیشرفت فردی
میانگین	2/30	2/16	2/02	2/18	2/37	2/52	2/50	2/36	2/04
میانه	2/36	2/17	2/00	2/14	2/33	2/57	2/50	2/38	2/02
مد	2/42	2/25	2/00	2/14	2/22	2/57	2/50	2/56	2/01
انحراف معیار	0/28	0/41	0/48	0/42	0/41	0/38	0/51	0/38	0/46
دامنه	1/28	1/89	2/33	1/86	2/22	2/00	2/48	2/11	2/29
کمترین	1/56	1/27	1/00	1/29	1/00	1/43	1/38	1/33	1/02
بیشترین	2/84	3/17	3/33	3/14	3/22	3/43	3/86	3/44	3/30

جدول 2: آزمون کلموگروف - اسمیرنوف (برای نرمال بودن متغیرها)

پی - مقدار	Z	آزمون کالموگروف - اسمیرنوف
0/21	1/1	کارآمدی محتوای درسی
0/19	1/08	کارآمدی آموزشی
0/09	1/23	پرداختن به موضوعات حساس
0/11	1/18	داشتن روابط دوگانه با دانشجویان
0/08	1/17	ارزشیابی درست
0/32	0/96	احترام به موسسه آموزشی
0/11	1/21	احترام به همکاران
0/08	1/26	رازداری
0/09	1/19	پیشرفت فردی

جدول 3: میزان همبستگی پیرسون و سطوح معنی داری بین متغیرها

ضریب همبستگی	P - مقدار	تعداد	ضریب تعیین
-0/09	0/02	230	0/0297
-0/17	0/01	230	0/0289
-0/07	0/34	230	0/0049
-0/02	0/82	230	0/0004
-0/12	0/04	230	0/0199
-0/06	0/40	230	0/0036
-0/19	0/02	230	0/0295
-0/20	0/04	230	0/0031
-0/18	0/01	230	0/0197

مذکور مجدداً بررسی روایی محتوایی توسط 5 نفر از صاحب نظران رشته علوم تربیتی انجام شده، پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ 93% گزارش شده است. پس از به دست آمدن داده‌های لازم از طریق پرسشنامه؛ بر اساس رویکرد کمی و با بکارگیری مقیاس‌های مناسب، اندازه‌گیری متغیرها صورت می‌گیرد. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار spss استفاده شده که در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی می‌باشد و برای تحلیل آماری داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

یافته‌ها

متغیرهای مورد نظر در اخلاق آموزشی که بر اساس شاخص‌های آمار توصیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند در جدول (1) نشان داده شده است. همچنین برای بررسی رابطه بین متغیرهای مورد بررسی و عملکرد استادان از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود (با

توجه به اینکه سطح معنی داری آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تمامی متغیرهای این فرضیه بزرگتر از 0/05 می‌باشد فرض صفر که نرمال بودن متغیرها است رد نمی‌شود در نتیجه از آزمون همبستگی پیرسون استفاده می‌شود جدول (2) و (3). با توجه به اینکه p به دست آمده در مورد متغیرهای کارآمدی محتوای درسی، کارآمدی آموزشی، ارزشیابی، احترام به همکاران، پیشرفت فردی و رازداری کمتر از سطح معنی داری (0/05) می‌باشد بنابراین فرض صفر رد می‌شود و می‌توان ادعا کرد که بین این متغیرها و عملکرد استادان رابطه معنی داری موجود است. همچنین بر اساس اینکه p به دست آمده در مورد متغیرهای پرداختن به موضوعات حساس، روابط دوگانه با دانشجویان و احترام به محل آموزش بیشتر از سطح معنی داری (0/05) می‌باشد بنابراین فرض صفر پذیرفته می‌شود و می‌توان ادعا کرد که بین این متغیرها و عملکرد استادان دانشگاه رابطه معنی داری موجود نیست.

بحث

بر اساس ارزیابی انجام شده، استادان به اغلب اصول در تدریس توجه می‌کنند. به عبارتی یافته‌های بدست آمده بیانگر اینست که بین کارآمدی آموزشی و عملکرد استادان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. یافته‌های بدست آمده در مورد این مؤلفه با یافته‌های بعضی از محققان همسو می‌باشد؛ بطوریکه می‌توان گفت رعایت این اصل توسط استادان باعث افزایش اثربخشی تدریس می‌شود زیرا این اصل با روش‌های تدریس مناسب، دریافت بازخورد، طرح درس و اصول منظم برای تدریس سروکار دارد و باعث یادگیری بهتر دانشجویان می‌شود (8، 13، 26، 29، 30، 35، 37). یافته‌ها در مورد مؤلفه دیگر؛ حاکی از این است که استادان برای کارآمدی محتوای درسی اهمیت قائلند که با یافته‌های تعدادی دیگر از صاحب‌نظران همسو می‌باشند (8، 13، 26، 30، 31، 37). رعایت این اصل توسط استادان باعث افزایش کارایی¹⁵ کلاس و یادگیری بیشتر و مؤثرتر دانشجویان می‌شود، به علاوه چون این اصل با توانایی علمی استادان ارتباط مستقیم دارد؛ توجه به آن باعث احترام بیشتر نسبت به استادان می‌شود. نتیجه فرضیه دیگر بیانگر آنست که ارزشیابی درست و عادلانه از دانشجویان توسط استادان به خوبی صورت می‌گیرد که به این مؤلفه بیشتر از دیگر مؤلفه‌ها در پژوهش‌های انجام شده تأکید شده است و رعایت صحیح این اصل باعث افزایش انگیزه در دانشجویان، دوری از تبعیض و تلاش روزافزون دانشجویان برای یادگیری و مطالعه می‌شود. احترام به محل آموزش یکی دیگر از مؤلفه‌ها است ولی متأسفانه رابطه معناداری در مورد آن مشاهده نشده است که با یافته‌های یکی از محققان همسو می‌باشد (8). همچنین با یافته‌های محققانی ناهمسو می‌باشد (13، 22، 25). شاید بتوان عدم رعایت این اصل را استفاده از استادان حق التدریس در این دانشگاه دانست. در مورد فرضیه پرداختن به موضوعات حساس رابطه معناداری بدست نیامده است. این مسأله بیانگر آنست که متأسفانه استادان در هنگام تدریس به موضوعات حساسی که مورد توجه و علاقه دانشجویان می‌باشد؛ نمی‌پردازند. ولی یافته‌ها در مورد مؤلفه احترام به همکاران رابطه معناداری را نشان می‌دهند. استادان برای مؤلفه رازداری اهمیت قائلند و یافته‌های بدست آمده با یافته‌های یکی از محققان همسو می‌باشد (8). ولی با یافته‌های محققانی دیگر ناهمسو می‌باشد (13، 23، 36). رعایت این مؤلفه توسط استادان سبب امنیت روحی و روانی دانشجویان و علاقمندی به استادان

و محیط تحصیل می‌شود. یافته‌های مؤلفه پیشرفت فردی نشان می‌دهند که استادان در هنگام تدریس به رشد فکری دانشجویان اهمیت زیادی قائلند، که با یافته‌های بدست آمده از از محققانی همسو می‌باشد (8، 13، 22، 30، 31، 36). رعایت این مؤلفه باعث پیشرفت، افزایش اعتماد به نفس، انگیزه و تلاش بیشتر دانشجویان در زمینه یادگیری می‌شود. مؤلفه آخر حاکی از عدم وجود رابطه دوگانه با دانشجویان است که با یافته‌های تعدادی از محققان به‌طور کامل همسو می‌باشند (8، 13، 33). ولی با یافته‌های محققان دیگری به دلیل داشتن روابط دوگانه با دانشجویان تا حدودی همسو می‌باشد (29، 30، 34، 35). رعایت این مؤلفه باعث سلامت دانشگاهی و جلوگیری از بی اخلاقی در دانشگاه می‌شود و امنیت روانی دانشجویان را در دانشگاه تضمین می‌نماید.

نتیجه گیری

بر اساس ارزیابی دانشجویان از وضعیت رعایت اخلاق آموزشی در دانشگاه‌ها، استادان به اغلب اصول اخلاق آموزشی در تدریس و کلاس درس توجه می‌کنند که رعایت آن‌ها باعث افزایش اثربخشی¹⁶ تدریس می‌شود؛ زیرا این اصول با روش‌های تدریس مناسب، دریافت بازخورد و اصول منظم برای تدریس سروکار دارد. همچنین رعایت این اصول، باعث افزایش کارایی کلاس، یادگیری بیشتر و مؤثرتر دانشجویان، سلامت دانشگاهی، جلوگیری از بی اخلاقی در دانشگاه و تضمین امنیت روانی دانشجویان می‌شود و از آنجا که رعایت این اصول با توانایی علمی استادان دانشگاه ارتباط مستقیم دارد؛ توجه به آن‌ها باعث احترام بیشتر نسبت به استادان می‌گردد. با رعایت صحیح این اصول می‌توان شاهد افزایش انگیزه دانشجویان، دوری از تبعیض و تلاش روزافزون برای یادگیری و مطالعه بود. ولی از آنجا که اصولی مانند پرداختن به موضوعات حساس و احترام به محل آموزش رعایت نمی‌شود می‌توان گفت که بررسی این مسأله در مورد جامعه‌ای که این پژوهش در آن صورت گرفته است بسیار ضروری است؛ زیرا رعایت این مؤلفه‌ها به ویژه در کلاس‌هایی که بحث و مباحثه از لازمه‌های آن است می‌تواند بسیار سودمند باشد و تنش‌های کلاسی و در نتیجه آسیب رسیدن به یادگیری را کاهش دهد. لازم به ذکر است که شاید بتوان عدم رعایت این اصول را استفاده از استادان حق التدریس در این دانشگاه دانست؛ زیرا تعدادی از این استادان در

منابع

1. Karimi khoozani A. (2007). Establishing ethical standards of police employees. 1st ed. Tehran: Discipline knowledge. (In Persian).
2. Gharamaleki A. (2011). The basics of promoting the professional ethics in universities; (9-1). (In Persian). Available at: <http://www.isna.ir/fa/content/69801/default.aspx>. Accessed: 10 June, 2013.
3. Farhud DD. (2007). Review of ethics literature, along with other aspects of ethics. Ethics in Science & Technology; 2(1-2): 1-6. (In Persian).
4. Mirkamali SM. (2003). Ethics and social responsibility in educational administration. Psychology and Educational Science; (1). (In Persian).
5. International Congress of Ethics in Education. (2012). Medical University of Tehran. (In Persian). Available at: <http://icee.tums.ac.ir>. Accessed: 9 June, 2012.
6. Lashkar Bolooki M. (2008). The framework of developing professional values and ethics in scientific researches. Ethics in Science & Technology; 3 (1, 2): 105 – 114. (In Persian).
7. Packbrow P. S, Thomas TM, Seymour JM. (2008). Infusing professional ethics into counselor education programs: a multicultural social justice perspective. Journal of Counseling and Development, (86): 296- 302.
8. Matlabifard A, Araste H. (2010). Ethics and social responsibility in educational administration. Psychology and Educational science; (1). (In Persian).
9. Campbell E, Thiessen D. (2010). Perspectives on the ethical bases of moral agency in teaching, university Toronto Canada. Information Eric.
10. Shoarinajad AA. (2005). The culture of behavioral science. 1st ed. Tehran: Amirkabir publications. (In Persian).
11. Luckowski J. (1996). Professional ethics among practicing educators. Canada: York University.
12. Hooper S. (2005). Addressing ethical issues in higher education: a practical guide. UK: Institute of Business Ethics.
13. Araste H, Nave Ebrahim A, Matlabifard A. (2006). Ethics survey of faculty members of Tehran public universities. (8-9). (In Persian).

سازمان‌های غیرآموزشی مشغول به فعالیتند و خود را متعلق به این سیستم آموزشی نمی‌دانند، بنابراین بایستی به این مسأله توجه خاصی شود؛ زیرا عدم رعایت آن در تدریس کلاسی باعث کاهش امنیت روانی دانشجو، کاهش ایجاد فضای توأم با احترام در کلاس و در نهایت؛ کاهش یادگیری می‌گردد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است و همچنین پژوهش با رضایت کامل شرکت کنندگان و راز داری کامل صورت گرفته است.

سپاسگزاری

در پایان از تمامی دانشجویان و کارمندان که در جمع‌آوری اطلاعات همکاری نموده اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

واژه نامه

1. Education	آموزش
2. Educational Ethic	اخلاق آموزشی
3. Principles of Ethic	اصول اخلاقی
4. Professional Ethic	اخلاق حرفه‌ای
5. Science of Ethic	علم اخلاق
6. Principles of Professional Ethic	اصول اخلاق حرفه‌ای
7. Organizational Ethic	اخلاق سازمانی
8. Ethic of Higher Education	اخلاق در آموزش عالی
9. Ethic of Management	اخلاق در مدیریت
10. Ethic of Research	اخلاق در پژوهش
11. Ethic of Student	اخلاق دانشجویی
12. Ethic of Teaching	اخلاق در تدریس
انجمن روانشناسی آمریکا	
13. American Psychological Association (APA)	
14. Function	عملکرد
15. Efficiency	کارایی
16. Effectiveness	اثربخشی

26. Yamani M, Bahadori Hesari M. (2008). Comparing the effective factors of MA teaching quality in Shahid Beheshti and Sharif Universities. *Iran Higher Education Journal*; 1 (1): 57 – 80. (In Persian).
27. Matlabifard AR, Nave Ebrahim A, Mohsen Zade F. (2011). Investigation and identification of the professional ethics components in education and training from the view of MA students. *Ethics in Science and Technology*; 6 (4): 1 – 9. (In Persian).
28. Farmahini Farahani M, Behnam Jam L. (2012). Investigation of the components of professional Ethics in faculties of Shahed University. *Ethics in Science and Technology*; 1 (7): 48 – 57. (In Persian).
29. Benor DE, Leviyof L. (1997). The development of student perception of effective teaching: the ideal, best and poorest clinical teacher in nursing. *Journal of Nursing Education*, 36 (5): 206-212.
30. Harris A. (1998). Effective teaching: a review of the literature. *School Leadership and Management* ; 18 (2): 169-183.
31. Stein M, Carmine D, Dixon R. (1998). Direct instruction: integrating curriculum design and effective teaching practice. *Intervention in School and Clinic*; 33 (4): 227- 233.
32. Smittle P. (2003). Principles for effective teaching In developmental education. *Journal of Developmental Education*; 26 (3): 10- 15.
33. Ray JA. (2004). Effective teaching strategies in higher education. *Academic Research Library*; 84 (4): 58-67.
34. Ramsden P. (2006). Effective teaching: six key to success. *The Teaching Professor*; 20 (3): 1-12.
35. Vulcano BA. (2007). Extending the generality of the qualities and behaviors constituting effective teaching practice. *Teaching of Psychology*; 34 (2): 114- 118.
36. Esqued OJ. (2009). The teacher's craft: the 10 essential skill of effective teaching. *Christian Education Journal*; 6 (2): 414-416.
37. Henderson R, Antelo A, St Clair N. (2010). Ethics and values in the context of teaching excellence in the changing world of education. *Journal of College Teaching and Learning*; 7(3): 5-12.
14. Mormolejo F. (2006). Fostering the development and implementation of principles for managing the ethical in higher education institutions: an international comparative perspective. Paris/France: General Conference.
15. Khodaparast AH, Abdolazadeh A, Rasekh M. (2007). Critical review of hexagonal ethical guidelines in research. *Fertility and Infertility*; 4 (2). 365 – 379. (In Persian).
16. Eftekhari Afzali MA. (2006). Evaluation of ethics in research in research projects approved by the university of medical science. Kerman: medical university. (In Persian).
17. Peggy K. (2001). Experimental teaching strategies applied to an ethics and professional issues course, Canada: York University. p. 458- 493.
18. Matthews JR. (1991). The teaching of ethics and the ethics of teaching. *Journal of Teaching of Psychology*; 18 (2): 80- 85.
19. Quayle J. (2009). Teaching ethics to future psychologists. challenges and the model of an experience of a college psychology professor in a developing country. *Journal of Counseling Psychology Quarterly*; 22 (1): 97- 104.
20. Murray HE, Gillese M, Lennon M, Robinson M. (1996). Ethical principles in university teaching society for teaching and learning in higher education. Canada: York University.
21. Zohoor A, Eslami Nejad T. (2002). Indicators of effective teaching from view of the students of Kerman medical university. *Payesh*; 1 (4): 5-13. (In Persian).
22. Fasihi Harandi T, Soltani Arab Shahi K, Tahami A, Mohamad Alizade S. (2004). The quality of clinical training from the view of Tehran medical university students. *The Scientific Journal of Qazvin Medical University*; 8 (30). (In Persian).
23. Zolfaghar M, Mehrmohamadi M. (2004). Evaluation and analysis of teaching quality of human science faculty member teachers in Tehran universities. *Journal of Shahed University*; 6. (In Persian).
24. Shabani vareki B, Hossein Gholi Zade R. (2006). Evaluation of the quality of teaching in university. *Research and Planning in Higher Education*; 12: 1 – 22. (In Persian).
25. Rakhti T. (2007). Investigation of student's satisfaction of agricultural college of Tehran and Tarbiyat Modares from teaching tools and methods in higher education. [MA thesis]. Tehran: Tarbiyat Modares University. (In Persian).